

# ب، قرآن علم ارتباطات تبلیغ و رسانه

## جایگاه علمی کفّت و کو در آینه قرآن

سید مهدی سلطانی رنائی \*

\* چکیده:

انسان موجودی است که فطرتاً اهل گفت و گو است و جهت بهرمندی از تفکر خویش ناگزیر از مناظره با دیگران می باشد. تاریخ شاید هیچ خصلتی از بشریت را همپای با رخ دادن جدال و گفت و گو میان آنان از دورترین افق های ممکن برای ما نقل نمی کند. البته نباید پنداشت که همیشه و در هر موقعیت، مجالی برای گفت و گویی اساسی در اختیار همگان بوده است، ولی ردپای گفت و گو در تاریخ واقعی غیر قابل انکار می باشد. امروزه نیز انسان متأثر از فضای فرهنگی مستعد، به صورت گسترده تری به این موضوع روی آورده است، اما باید عمیقاً نگرست که قرآن کریم، با توجه به عمیق ترین لایه های فطرت انسانی، با مسأله گفت و گو چگونه برخورد نموده و چه جایگاهی را برای آن در نظر گرفته است؟ مبانی، آداب، ویژگی ها و آفات گفت و گو چیست؟ نوشتار حاضر به این مهم پرداخته و نگارنده کوشیده است از منظر قرآن کریم به این سوالات پاسخ های اساسی دهد.

\* کلمات کلیدی: قرآن، گفت و گو، مناظره، تفکر، جدال

\* مقدمه: انسان موجودی است متفکر که خوشبختی و خسران او در گرو و بهره مندی از افکار و اندیشه اوست. به همین رو، وحی آسمانی که برای هدایت انسان ها آمده، می کوشد تا از راه تفکر، او را به منافع مادی و معنوی خویش متوجه سازد. بر همین اساس، بیدار کردن افکار و عقول در سر لوحه برنامه های انبیای الهی قرار گرفته است. (فبعت فیهم رسله و اترا الیهم انبیائه... و دفائن العقول و...) خداوند پیامبران خود را برانگیخت و بی در پی آنان را فرستاد... (تا موانع سر راه اندیشه را بزدایند) و گنجینه های خود را بر ایشان آشکار گردانند.

از سوی دیگر، مردم به طور طبیعی در افکار و اندیشه ها مختلف هستند و اساساً این تنوع و گونه گونی از شرایط ضروری زندگی انسان هاست که از فطرت آنان سرچشمه می گیرد. حال پرسیدنی است که چگونه می توان ضمن حفظ تفکر، به اختلاف اندیشه ها نیز احترام گذارد؟ آنچه ما از آن به (تبادل نظر)، (مناظره)، (گفت و گو)، (مباحثه) و امثال آن نام می بریم، همه ابزارهای مفید و مهم برای ارج گذاری اندیشه با حفظ تفاوت آرا است. در واقع در پرتو تضارب آرا و اندیشه ها با ابزار گفت و گو و مناظره است که افزون بر حفظ منافع مادی و معنوی بشر، فکر و خلاقیت ذهنی وی رشد می یابد و معارف و علوم کامل تر می گردند. اما باید دانست که گفت و گو های بشری و مناظراتشان زمانی مفید است که اولاً ایده آل بوده و از مطلوبیت اصیل برخوردار باشند. ثانیاً در چارچوب خاص با مبانی و شیوه های



متقن و موجه سامان یابد، و گرنه موجب محدودیت اصل موضوع، رکود استعدادها، طغیان و انفجار جامعه، سطحی نگری و آسیب پذیری و رشد تسلیم و جمود گرایی خواهد شد.

\*واژه شناسی: گفت و گو در زبان عربی با واژه های مختلفی به کار رفته است، (مناظره) که به معنای رقابت، مباحثه و جدال نیز آمده است، (حوار) که در معنای پرسش و پاسخ، استدلال و مناقشه نیز به کار گرفته شده، و (جدل) که عمدتاً به معنای ستیزه کردن است.<sup>۱</sup>

اندیشمندان عرصه زبان شناسی و لغت شناسان در خصوص تفاوت ها و قرابت های این واژه ها به تفصیل سخن گفته اند که در این نوشتار مجال پرداختن به آن ها وجود ندارد و آنچه نگارنده در پی آن است، اصل (گفت و گو) و سیمای آن در قرآن کریم است. قرآن به این اصل با واژه های (قول)، (حوا) و (جدل نیکو) اشاره نموده است.

\*جایگاه گفت و گو در قرآن: از نظر قرآن، گفت و گو بستری برای مناسبات انسانی و زمینه ای پر ظرفیت برای معنویت است. گفت و گو در قرآن صرفاً به عنوان وضعیتی ویژه و موقعیتی مطلوب ترسیم نشده، بلکه در جایگاهی اساسی تر و فراتر نشسته است. قرآن گفت و گو را زمینه ای مشترک و همیشگی برای تکاپو و پوشش های اجتماعی دانسته، آن را بستری فراگیر و اجتناب نا پذیر برای روابط اجتماعی تعریف می کند. به تعبیر دیگر، گفت و گو در قرآن از حد و مرز وضعیتی مطلوب و مورد درخواست تا سطح توصیف یک خصلت جدایی ناپذیر زندگی جمعی پیش رفته است. در واقع قرآن در نگاه انسان شناسانه خود، آدمی را موجودی (گفت و گو محور) معرفی می کند. از سوی دیگر، قرآن به وضوح میان سر نوشت معنوی انسان و گفت و گو پیوندی نزدیک و استوار برقرار می سازد.

بخشی از آیاتی که از مجموع آن ها می توان جایگاه انسانی و معنوی گفت و گو را در قرآن کریم دریافت، عبارت است از:

۱۰- «ایوم تأتی کل نفس تجادل عن نفسها و توفی کل نفس ما عملت و هم لئما یقنلین»<sup>۲</sup> براساس این آیه شریفه، قرآن علاقمندی و کوشش برای گفت و گو را از جمله خصلت های بنیادین و ذاتی انسان می داند، خصلتی که در سخت ترین و نفس گیرترین شرایط نیز در انسان وجود دارد. از جمله ویژگی های انسانی در قیامت مبادرت او به مجادله است. بدین سان در قیامت خصلت های عرضی انسان رنگ می بازند و آنچه در نهاد او ذاتی است آشکار می گردد و مجادله چون در قیامت نشانه ذاتی و فطری بودن گفت و گو در بشر است خود را نمایان می سازد.<sup>۳</sup>

۲۰- (و کان الانسان اکثر شیء، جدلاً) براساس این آیه، فطرت انسان بر پایه جدل شکل گرفته است.

جدل بخشی از وضعیتی فطری است که به اقتضای آن در قبال حوادث و اوضاع، به جست و جوی پردازد، آن هم جست و جوی برخاسته از وضعیت های فکری و پیگیری بر آمده از حالات روحی نباید پنداشت که در معنای جدل اصولاً وضعیت های منفی اشراب گشته است، بلکه در قرآن موارد بسیاری از به کار گیری این واژه با بار معنایی مثبت مشاهده می شود.

۳۰- (فیشرب عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه) برپایه این آیه می توان جایگاه گفت و گو در قرآن را چنین ذکر نمود: ۱- در این آیه، سه عنصر (قول)، (استماع قول)، (اتباع قول احسن) به مطرح شده است و سه مرحله اساسی برای گفت و گوی ایده آل ذکر گردیده: شکل گیری فضای ارائه و تبادل سخن، استماع سخن و آشنایی با نکته ها و گفته های احسن و اتباع سخن. ۲- هر جا خداوند در قرآن،



در بیان رابطه میان خود و انسان ها واژه (عبادی) و یا مشابه آن را به کار گرفته، پر مایه ترین و اصیل ترین اندیشه را ارائه داده است. با ملاک قرار دادن این قالب بیانی (ایجاد نسبت میان خدا و بندگان به صورت ویژه) به عنوان قالبی ممتاز و حاکی از پر مایگی و اصالت یک اندیشه و موقعیت، می توان به بلند مرتبتی جایگاه گفت و گو پی برد، زیرا همین قالب بیانی در ارتباط با گفت و گو به کار گرفته شده است.

۳- از آنچه که قرآن به اصیل ترین، واقعی ترین و مهم ترین نعمت و موقعیت بشارت می دهد، به کارگیری واژه (بشر) درباره استماع و پیروی از بهترین سخن، از رفیع بودن سطح گفت و گو و برخوردار بودن آن از جایگاهی ممتاز در زندگی معنوی و مادی انسان حکایت دارد.<sup>۷</sup>

۴۰. آیاتی که گفت و گوها را روایت کرده اند: آیات مذکور سه دسته اند: الف) آیاتی که در حجم روایت گری گفت و گو در قرآن را شامل می شوند، ذکر شدن ۵۲۷ بار کلمه (قال) در قرآن، آمدن کلمه (حوار) در سه جای قرآن در قالب باب های مفاعله و تفاعل<sup>۸</sup> و ذکر ۲۹ مورد ماده (جدال) در آیات قرآنی. ب) آیاتی که شیوه روایت گری گفت و گو در قرآن را شرح می دهند و این شیوه به دو معناست:

۱- طرح گفته ها و نکته هایی از هر یک از طرفین گفت و گو با حوصله بسیار، مانند ذکر ۵۲۷ بار کلمه (قال)، که نه تنها حجم روایت گری گفت و گو را به اثبات می رساند، بلکه بیانگر اهتمام قرآن به نقل فراز های برجسته سخنان اطراف گفت و گوهایی است که بحث از آنها را گشوده است.

۲- تأکید بر منطق گفت و گو، بدین صورت که تا آن میزان به گفت و گو محوریت می دهد که به هنگام در ماندن یک سوی گفت و گو از پاسخ و در پیش گرفتن شیوه هایی چون اهانت یا ایدامو... رویکرد تازه ای را در قالب یک پاسخ در زنجیره گفت و شنود آن ها ارائه می نماید.<sup>۹</sup> مانند: باز گو نمودن وضعیت قوم لوط که از پاسخ دمی منطقی در گفت و گو با آن حضرت در مانده بودند؛<sup>۱۰</sup> فسا

كان جواب قوم لوط ان قالوا انهم اهل لوط من قریبكم<sup>۱۱</sup>

ج) آیاتی که بر گفت و گو محوری بر دعوت دلالت دارند.<sup>۱۲</sup> زیرا قرآن فضائی را که دعوت پیامبران در آن شکل گرفته، را فضائی یک سو به نمی خواند، بلکه خداوند از پیامبران می خواسته تا اولین گام های خود را با گفت و گو آغاز کنند: (فقولا له قولا لبا لعله یذکر و یحیی)<sup>۱۳</sup> و این خود از مهم ترین نشانه های اهمیت گفت و گو در قرآن به شمار می رود.

• مبانی گفت و گو از دیدگاه قرآن: مبانی گفت و گو عبارت است از چارچوب خاصی از گفت و گو صحیح که هم قدرت تفکر انسان را تقویت و هم به اختلاف سلیق فکری حرمت گذارد و آدمی را به حقیقت نزدیک سازد. در اصل مبانی گفت و گو همان ارکان و پایه های گفت و گو است که بایستگی های آن را نمایان می سازد. قرآن کریم مبانی گفت و گو را با نگرشی خاص تحلیل و تدلیل می کند که منطبق با بایستگی آن است و آن مبانی عبارتند از: ارج گذاری به کرامت انسانی؛ اهتمام به تفکر و تعقل، عدم اکره در پذیرش عقاید و توجه به آرا و عقاید دیگران.

• الف) ارج گذاری به کرامت انسانی: از دیدگاه قرآن کریم، انسان موجودی است برگزیده خداوند و جانشین او در زمین، آمیزه ای از روح و جسم، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد و مستقل، امانت دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر و برخوردار از شرافت و کرامت



ذاتی که خداوند او را بر سایر مخلوقات برتری داده است. به بیان دیگر، چون انسان بازتابنده حکمت الهی و مظهرا کمل صفات خداوندی است، اشرف مخلوقات است و باید در گفت و گو کرامت او حفظ شود.<sup>۱۳</sup>

\*ب. احتساب به خود: یکی از اصول تعالیم قرآن، دعوت به تفکر است، و قرآن کریم فهم بهتر مسائل اعتقادی را به نیروی تفکر و اندیشه انسان واگذار نموده، در زمینه راه شناخت و معاد می فرماید

ان اراهم يفكرون في الله سبحانه وتعالى من الارض والسموات والجن والانس كثيرا من الناس لفتوا به وهم لا يدرين<sup>۱۴</sup>. آیا آنان در درون خویش اندیشه نکرده اند که خداوند آسمان ها و زمین و آن چه میان آن دو است، جز به حق و برای زمان معینی نیافریده است؟ ولی بسیاری از مردم لقای پروردگار شان را منکرند. مرحوم علامه طباطبائی در خصوص اصالت تفکر جهت گفت و گو می فرماید: (اگر کتاب الهی را تفحص کامل کرده، در آیاتش دقت کنید، خواهید دید شاید بیش از سیصد آیه هست که مردم را به تفکر، تذکر، تعقل و اندیشه دائمی دعوت کرده و یا به پیامبر (ص) استدلالی را برای اثبات حقی و یا از بین بردن باطل می آموزد..خداوند در قرآن حتی در یک آیه نیز بندگان خود را امر نفرموده که نفهمیده به قرآن و یا به هر چیزی که از جانب اوست، ایمان آورده و یا راهی را کورکورانه ببینایند. حتی قوانین و احکامی که برای بندگان خود وضع کرده و عقل بشری به تفصیل ملاک های آنها را درک نمی کند نیز به چیزهایی که در مجرای احتیاجات قرار دارد، علت آورده است، مانند: من انشأ سبع سموات من الحديد<sup>۱۵</sup> و انزل من السماء ماء فاصبحنا نهارا<sup>۱۶</sup> در حقیقت قرآن کریم عقول را به استعمال چیزی که در فطرت آن جا دارد و به رفتن راهی که به حسب طبع خود می شناسد و الفت دارد، دعوت می کند و آنها همان ترتیب مطالب معلوم است برای کشف مجهولات، یعنی (تفکر)<sup>۱۷</sup>.

\*ج. عدم اراده در پندش عثمان: ازاد شناسی: قرآن کریم آزادی را والاترین جلوه برای حرمت انسان و نقطه قوت و امتیاز او می شناسد و در گفت و گو از آن به عنوان مبنای اساسی یاد می کند و توجه به آن را از مهم ترین وظائف پیامبران در دعوت انسان ها به سوی حق می داند و از ایشان می خواهد که زنجیرهای اسارت و بردگی و بدبختی انسان ها را درهم شکنند: لا یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم<sup>۱۸</sup>. وجود اراده و اختیار در آدمی از دلایل مهم حرمت گذاری به آزادی انسان های در گفت و گو و انتخاب مسیر زندگی است؛ زیرا انسان با نیروی اراده و اختیار راه خود را یافته و به واسطه آن شخصیت خویش را بنا می نهد: و ما هدیناه السبیل اما شاکرنا و اما کفورا<sup>۱۹</sup>. در جای دیگر خداوند در این باره می فرماید: و انزلنا من السماء حديد لآمن فی الارض کلهم جسیعافات تکره الناس حتی تکفروا<sup>۲۰</sup> مومنین<sup>۲۱</sup>. این آیه نیز بیانگر سستی است از جانب خداوند مبنی بر آزاد گذاردن انسان ها در پذیرش دین و عقیده و نفی ارزش ایمان همراه با اکراه و اجبار.

در شأن نزول آن نقل شده است: (مأمون عباسی از حضرت امام رضا (ع) از این سخن خداوند (و لو شاء ربک لآمن) سوال کرد. امام به اسناد پدرانش از حضرت امیر المومنین (ع) فرمود: مسلمانان به پیامبر اکرم (ص) گفتند: ای پیامبر اگر مردم را بر پذیرش اسلام مجبور می کردی، جمعیت ما بسیار، و قدرت ما در مقابل دشمنان افزون می گشت. حضرت فرمود: من نمی خواهم که خداوند را ملاقات کنم، با



همراه داشتن بدعتی که نسبت به آن به من دستوری نرسیده ، و من از سخت گیر ها نیستم . پس خداوند متعال این آیه را نازل فرمود : ( ای محمد ! اگر خداوند اراده می کرد همه ی مردم از راه اضطرار و اجبار ایمان می آوردند ، همانطور که در مشاهده حقیقت و شدت آخرت ایمان خواهند آورد . اگر بدین کار دست یابم ، آنان سزاوار ثواب و مدح نخواهند بود ، لکن آن خواهم که ایمان بیاورند از روی اختیار ، بدون اجبار و زور تا سزاوار کرامت و بهشت جاودان گردند)<sup>۲۱</sup> .

۲۰. در مورد یکی از اساسی ترین عوامل رشد اندیشه و خلاقیت ذهن است ؛ زیرا از یک سو از خود محوری و استبداد رای در گفت و گو ها جلوگیری می کند و از سوی دیگر آدمی را در عقول دیگران شریک می گرداند و او به اهمیت اصل مشورت و استفاده از تجارب دیگران آگاه و فرا می خواند . ( و شاورهم فی الامر ) . امام صادق (ع) نیز می فرماید : ( مثل المشوره مع اهله مثل التفکر فی خلق السموات والارض لانه كلما قوی المتفکر فیها غاص فی بحر نور المعرفه و از دادبها اعتباراً و یقیناً)<sup>۲۲</sup> . مشورت با اهلش مانند تفکر در آفرینش آسمان و زمین است که هر چه انسان از تفکر قوی تر برخوردار باشد ، در دریای نور معرفت و شناخت فروتر رفته و بر یقین و معرفت او افزوده تر می گردد .

۲۱. اسلام برای گفت و گو و مناظره های درست و به جا ، آدابی بر نهاده است که برخی الزامی هستند و ترک آنها موجب می شود مناظره و جدال مورد نظر دین ، تحقق نیابد . مهم ترین منبع برای کشف شرایط و آداب گفت و گو ی صحیح از نظر اسلام ، قرآن کریم است . آداب گفت و گو از منظر قرآن عبارت از موارد ذیل است که بدان ها اشاره می گردد :

۲۲. گفت و گو کننده باید مدعیات مخاطب خویش را در گفت و گو و مناظره با دقتی تمام فرا یابد . این اصل از آیه شریفه ، ( لیسئلکم الله عنکم فی کل شیء )<sup>۲۳</sup> . به خوبی بر می آید .

۲۳. هدف اصلی گفت و گو و مناظره ، کشف حقیقت است و تنها راه رسیدن به حقیقت ، علم است و مناظره بدون توان علمی و برهان عقلی ، رها کردن تیر در تاریکی است و چیزی جز خود نمائی یا تعصب کورکورانه و گمراهی در بر ندارد . دوطرف بحث نیز باید بکوشند فضایی علمی و نه احساسی را بر گفت و گو و مناظره های خویش حکمفرما سازند . آیات متعددی از قرآن کریم به وضوح امر به این معیار می نمایند ، از جمله موارد ذیل است :

۲۵

هان شما اهل کتاب ، همان کسانی هستید که در باره آنچه بدان علم داشتید ، محاجه کردید . پس چرا در باره چیزی که بدان علم ندارید ، محاجه می کنید با آن که خدا می داند و شما نمی دانید ؟  
بر اساس آیه مذکور آیات دیگر ، خداوند کسانی را که بدون علم و دلیل ، مجادله می کنند ، منفور و مبعوض خود و مومنان می خواند و آنان را زور گو و دارای خوی بد می داند<sup>۲۴</sup> . پیامبر اعظم (ص) با استناد به آیات قرآنی ، کسی را در گفت و گو و مناظره از غیر علم سود جوید ، سزاوار خشم خدا می داند، خشمی که برای او تا لحظه مرگ میباید<sup>۲۵</sup> .



۳۰- لزوم قرار گرفتن دو طرف گفت و گو و مناظره در وضعیتی همسان: درست است که ممکن است یک گفت و گو و مناظره در سطح علمی بالاتر و دیگری در مرتبه ای پایین تر قرار داشته باشد، اما از نظر قرآن منطقی و شرط گفت و گو آن است که هر دو طرف بر اساس اصل مساوات، با ایجاد فضای استماع و پرهیز از سماجت، زمینه کشف و هویدا شدن حقیقت را فراهم آورند. این اصل از آیات ذیل دریافت می شود: ( و انا اواياکم لعلي هدی او فی ضلال مبين...<sup>۲۸</sup> ) قل لانسألونک عما اجرتنا و لا نسلک عما تعملون<sup>۲۹</sup>

۴۰- بهره گیری از شیوه درست: یکی از محور های توصیه قرآن درباره گفت و گو و مناظره بهره گیری از شیوه درست است (وقل لعبادی یقول اللی هی احسن<sup>۳۰</sup> ) و ( و قولوا للناس حسنة)<sup>۳۱</sup> از نگاه قرآن طعنه زدن تمسخر و تحقیر در تعامل و گفت و گو مردود است؛ ( و لا تسبوا الذین یدعون من دون اللہ فیسبوا اللہ عدواً بغير علم)<sup>۳۲</sup>

۵۰- ضرورت شناسایی نقاط مشترک و استوار ساختن گفت و گو بر آنها: این نکته از آیه شریفه اقل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سوا، بسنا و بیکم<sup>۳۳</sup> به دست می آید که نشان می دهد:

۱- گفت و گو کنندگان باید نقطه مشترک داشته باشند.

۲- گفت و گو جهت ثمر بخشی، باید بر اصول و نقاط مشترکی استوار باشد و گفت و گو کنندگان بر اساس آن سخن بگویند.

۳- گفت و گو بین کسانی با شرایط فاصله های کمتر و برخورداری از نقاط مشترک بیشتر، در هر زمانی ضرورت دارد و باید در هر شرایطی صورت پذیرد.

۶۰- مجال دادن به اندیشه ها: برای این که اندیشه ها در فضای گفت و گو و با گشودن افق در برابر خود به آگاهی تمام برسد و قرآن به اندیشیدن کاملاً آزادانه تأکید ورزیده، باید به همه اندیشه ها، حتی غیر عملی هم مجال ارائه و مطرح شدن را داد.<sup>۳۴</sup>

ویژگی های گفت و گو از منظر قرآن: قرآن کریم علاوه بر دستورهای مستقیم به بایستگی های گفت و گو با به کار گیری شیوه های عملی<sup>۳۵</sup>، به گونه ای غیر مستقیم نیز ویژگی های گفت و گو برشمرده و به اهمیت آن تأکید ورزیده است، که به مهمترین آنها اشاره می شود:

۱- حق جوئی: مقصد از حق جوئی در گفت و گو آن است که از مدعای متین بر دلیل متقن پیروی نموده و از تهدید و تطمیع ها در مورد آن نهراسیم. این معیار از ویژگی های مهم گفت و گو است که سرلوحه و طلیعه نیکوئی آن می باشد. بر این اساس قرآن کریم با عبارت های گوناگونی مومنان را به حق جوئی در گفت و گو ها توصیه نموده و جبهه باطل را به دلیل کتمان حق و با آمیختن حق به باطل و پادمال کردن حق نکوهش می کند:

( و جا دلوا بالباطل لید حضوا به الحق)<sup>۳۶</sup> ( لقد جاک الحق من ربک فلا تکن من الممترین)<sup>۳۷</sup>

( یجادلونک فی الحق بعد ماتین)<sup>۳۸</sup> ( و لا تلبسوا الحق بالباطل)<sup>۳۹</sup>

۲- رعایت روش گفت و گو: روش گفت و گو بر پایه ابزارهای ذیل استوار است، که باید در گفت و گو موجود باشند تا بتوان از آن به مثابه گفت و گو صحیح یاد کرد: تحلیل سوال، داشتن محور بحث، مشخص ساختن مفاهیم و توضیح آنها، آشکار نمودن اصل یا مقدماتی که مفاهیم با توجه به آنها استنباط



شده و در راستای آن دیدگاهی گزینشی گردیده است. بر این اساس، خداوند متعال کسانی را که بدون هیچ شناختی با رسالت پیامبر اعظم (ص) مخالفت می کنند و روش صحیح گفت و گو را مراعات نمی کنند، سرزنش می کند: «... ها نتم هولاء، حاججتهم فیما لکم به علم، فتم تحاجون فیما لیس لکم به علم»<sup>۴۱</sup>

۳. توافق در اصول مشترک: اگر در گفت و گو وحدت در جهات همسو از میان برود، نمی توان گفت و گو را از نقطه ای آغاز کرد و آن را به سرانجام رسانید و محیط آن صرفاً راهی برای طرح دیدگاه های شخصی و فرقه ای، تبلیغ و نفوذ در افکار دیگران خواهد بود. قرآن کریم در گفت و گو های خود با سایر ادیان به گونه ای با تسامح و همدلی، مباحثات نظری را با توافق در مشترکات آغاز و بر آن تکیه و تأکید می کند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم لا نعبد الا الله و لمانا نشرقک به شیئا»<sup>۴۲</sup>

ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتا و شریک او قرار ندهیم. و قوتوا انما بالذی انزل الینا و انزل الیکم و انهننا و الهیکم و احد و یحیی له مسلمون»<sup>۴۳</sup>. و به اهل کتاب بگوئید ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده، ایمان آورده ایم و معبود ما و شما یکی است و ما در برابر او تسلیم هستیم.

۴. برهان طلبی: حق جوئی در سایه (عقل مدارای) تحقق می یابد. به همین دلیل برهان طلبی از ویژگی های مهم گفت و گوی صحیح به شمار می رود. مقصود از (عقل مدارای) آن است که جهت تحقق حق جوئی و ترویج آن در گفت و گو، تنها باید تابع استدلال درست بود و روح (چرا، به چه دلیل) را بر فضاهای گفت و گو حاکم کرد. این سنت قرآنی است که علاوه بر فراخوانی پیروان خود به تبعیت از دلیل و برهان، از مخالفان و معارضان خویش دلیل و برهان می طلبد. به عنوان نمونه، در مقام تخطئه پندار های غلط اهل کتاب، می گوید: «و قاتلوا یدخل انجمنه الا من کان هوذا او نصرانی تنک امانتهم قل هاتوا برهانکم ان کتمه صادقین»<sup>۴۴</sup>. گفتند: جز آنان که یهودی یا نصرانی باشند، به بهشت داخل نشوند. این آرزوهای ایشان است بگو اگر راست می گوئید: برهانتان را بیاورید. در واقع قرآن کریم می گوید: اسلام به مخالفان آزادی داده است تا آرا و عقاید خویش را بی پروا، با استدلال و برهان بیان کنند.

۵. آزاد منشی: بی شک یکی از اساسی ترین شرایط پدید آمدن روح گفت و گو و تحقیق جهت تبادل نظر، پرورش اندیشه آزاد و رهیده از هر گونه تعصب و عقاید تقلیدی است. قرآن کریم توصیه می کند افرادی که در مباحث نظری یا به عرصه گفت و گو می نهند، باید برای نهادینه کردن حق جوئی و ترویج عقل مدارای، در پذیرش یارد مدعا و دلیلی، پیش فرض های ذهنی و دل بستگی های شخصی یا گروهی را دخیل نکنند، بلکه با کاوش آزادانه، هدف هر گفت و شنودی را تنها شناخت حقیقت بدانند. در این کتاب الهی علت عدم پیروی از پیامبران بزرگ الهی را توجه نکردن به موارد مذکور دانسته و از زبان اقوام گمراه بدان ها استناد می نماید: «از سوی دیگر، تعبیرات قرآن کریم در برخورد عادلانه با آراء و اندیشه های مخالفان، مانند (قال الذین کفروا... و قال الذین اشرکوا...) حکایتگر آن است که در کلام الهی بر اصل آزاد منشی در گفت و گو ها تأکید فراوان گردیده است.

۶. خوش خویی: جهت تبدیل نشدن تبادل نظر به میدان ستیز باید اصول اخلاقی و انسانی بر آن حاکم باشد و یکی از بارزترین این اصول، حسن رفتار و گفتار در بحث است. کسانی که در باب موضوع خاصی به گفت و گو می پردازند، باید بدون به کار بردن کلمات آزار دهنده، با خوش رویی و رفتاری



پسندیده مقصود خود را به درستی بفهمانند. خداوند متعال تأکید فراوانی بر این ویژگی در قرآن کریم نموده و به جدال احسن تشویق کرده، آن را شیوه برخورد با مخالفان و منکران رسالت پیامبر (ص) بر شمرده است.<sup>۴۶</sup>

البته تعبیر احسن جامعی است که در تمام روش های صحیح و مناسب مناظره و مباحثه را شامل می شود، چه در الفاظ و محتوای سخن، چه در آهنگ گفتار و خفیات و چه در حرکات دیگر<sup>۴۷</sup>. به هر روی، قرآن بر این اصل که قولوا للناس حسناً<sup>۴۸</sup>. تأکید فراوان دارد. امام باقر (ع) در تفسیر این آیه می فرماید: (نیکو تر از آن چه دوست دارید با شما سخن گفته شود، با دیگران سخن بگوئید)<sup>۴۹</sup>.

من ندیدم در جهان جست و جو هیچ اهلیت به از خوی نکو

۷. تحمل اندیشه ها: با برتافتن افکار و اندیشه ها می توان تبادل نظر را بهبود بخشید و آن را به هویت اصیل خویش باز گردانید. این امر یکی از شرایط اساسی افرادی است که در تعاملات فکری مشارکت دارند. در واقع بدین رو قدرت تعقل و نقادی در جامعه رشد می کند؛ روابط کلامی و ارتباطی تغییر می یابد و از سوی روح تعاون و کار جمعی، وحدت ملی، مسوولیت اجتماعی، مفاهیم سیاسی و نیز تبادل فرهنگ ها و اندیشه ها رشد و ترویج می یابد. اگر تحمل اندیشه ها در ارائه نظرات و گفت و گو ها نباشد، تعصب و خشونت بر مباحث نظری حاکم شده و به مرگ اندیشه ها می انجامد. بر این اساس است که قرآن کریم در برخورد با آرای مخالف، مسلمانان را به سعه صدر و خویشتر داری دعوت نموده تا بهترین آرا و اندیشه ها ارائه شده و برخی نادانان به جهالت خویش پی ببرند. در این میان قرآن کریم همچنین پیامبر اعظم (ص) را نمونه عالی سعه صدر و تحمل آرای مخالف معرفی نموده است. این مسأله تا بدان جا است که حتی آن حضرت از سویی برخی جاهلان سرزنش می شدند و به حضرت

می گفتند: (هو اذن<sup>۵۱</sup>؛ او گوش است) قرآن نیز در پاسخ می فرماید: (اذن خیر لکم؛ نیکو گوش برای شماست) به دلیل اهمیت حلم و صبر در عرصه دانش است که خداوند سه بار صفت علیم و حلیم را در کنار یکدیگر ذکر فرموده<sup>۵۲</sup> و نیز از همین روست که ائمه (ع) بر جایگاه حلم در ساحت علم تأکید بسیار نموده اند.<sup>۵۴</sup>

۸. به کارگیری روش های گوناگون: قرآن کریم در گفت و گو با ادیان مختلف و مخالفان اسلام، بر اساس شرایط و موضع گیری آن ها، روش های گوناگونی را به کار می گیرد. به عنوان نمونه، گاه به دلیل نوع شبهه و رویکردی مخالف، در تبیین مطالب خویش از روش عقلانی استفاده می کند؛ زیرا طرف مقابل مسأله را به گونه ای عقلانی انکار می نماید. در آیات ذیل مسأله معاد با تحلیل عقلانی اثبات می گردد: **۱۱** قل یحییها الذی انشاها اول مره و هو بکل خلق علیم **۱۲** الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا **۱۳** فلذا انتم منه و توقدون **۱۴** اولیس الذی خلق السموات و الارض بقادر علی ان یخلق ما یشاء **۱۵** و هو الخلاق **۱۶** العلیم **۱۷** انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون **۱۸** **۱۹** گاه نیز در خصوص معاد، موضوع را به دلیل خواست طرف مقابل گفت و گو، با مشاهدات حسی و تحلیل های ذهنی از طریق تبیین حسی باگو

می کند: (با ایها الناس ان کنتم فی ریب من البعث فانا خلقناکم من نراب تم من نطفه تم من علقه تم من مضغه مختلفه و غیر مخلقه لبین لکم و نفر فی الارحام ما نشاء، الی اجل مسمی تم نخرجکم طفلا تم لیبغوا

اشد کم و فیکم من یتوفی و منکم من اردل العسر...<sup>۵۵</sup>





تنوع شیوه های گفت و گو حکایتگر آن است که باید با توجه به شرایط فکری ، عاطفی، معنوی و اجتماعی طرف مقابل در قالب های مختلف تبیین شود

۱۰. آفات گفت و گو بر منظر قرآن: مقصود از آفات گفت و گو، هر عمل یا باور غیر اخلاقی است که گفت و گو را از مسیر حق خارج می سازد و آن را در دراز مدت از رسیدن به هدف حقیقی خویش باز می دارد. آیات الهی، برخی موارد را موانع و آفات گفت و شنود صحیح تلقی می کند، به طوری که اگر این مواضع بر ویژگی ها و حتی مبانی گفت و گو غالب آیند، نتیجه مطلوب به دست نخواهد آمد و چه بسا این سنت نیکو مغفول می ماند. از این رو، توجه به موانع و آفات گفت و گو سبب می گردد که همواره گفتمان و تبادل نظری سالم داشته باشیم. اکنون به ذکر و شرح این آفات و موانع می پردازیم.

۱۱. گمان و پندار پیروی از آن: همان گونه که در آداب گفت و گو گذشت، پایه ی اصلی دلیل باید علم منطبق با واقعیه ی خارجی و بهره مند از بحران و دلیل های قطعی و درست باشد. ظن و گمان، مرتبه ای از جهالت و غیر واقع و مبتنی بر حدس و خیال است، از این رو نمی توان در گفت و گو بر آن تکیه کرد. قرآن کریم نیز ظن و گمان را اساس استدلال های منحرفانه کفار دانسته و به همین دلیل مسلمانان را از آن بر حذر داشته است. «... و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوك عن سبیل الله ان یتبعون الا الظن و ان هم الا یخوضون»<sup>۵۸</sup>. اگر از بیشتر مردم روی زمین پیروی کنی، تورا گمراه می کنند؛ زیرا آنان پیروی از گمان کرده و بر اساس حدس و تخمین نظر می دهند. از دیدگاه قرآن، پیروی از گمان در گفت و گو مانع همراهی گفت و گو کننده با واقعیت می شود. «... اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بأفوا حکم مالئیس لکم به علم و تحسبونه هین و هو عند الله عظیم»<sup>۵۹</sup>. آن گاه که آن را از زبان یکدیگر می گرفتند و با زبان های خود، چیزی را که به آن علم نداشتید، می گفتید و می پنداشتید که کاری سهل است، با آنکه نزد خدا بزرگ بود.

۱۲. جهالت و نادانی: شخصی که به امری علم ندارد، چگونه می تواند درباره آن به درستی بیندیشد و اندیشه خویش را در معرض آرای دیگران قرار دهد. از این رو قرآن جهالت و نادانی را یکی از موانع بزرگ گفت و گو تلقی کرده، انسان را از اندیشه و قضاوت درباره آنچه بدان آگاهی ندارد، منع می کند: «... و لا تقف مالئیس لکم به علم. ان السمع و البصر و البعزاد کل اولئک کان عنه مسوؤلاً»<sup>۶۰</sup> امیر المؤمنین علی (ع) نیز در همین باره قائل است اگر کسی در برابر آنچه نمی داند سکوت کند، اختلاف از جامعه رخت بر می بندد: «لو سکت من لا بعلم سقط الاختلاف»<sup>۶۱</sup>.

۱۳. تقلید: گفت و گو میدان عرضه اندیشه های نو می باشد، اما ارائه حقیقت و اندیشه نو در بند موافقت و مخالفت با گذشته و آینده و یا بزرگان نیست، بلکه تنها معیار درستی اندیشه ها، تطابق آن با واقعیت های هستی است. با این حال، کسانی هستند که راه و اندیشه گذشتگان و نیاکان خود را می پذیرند، بی آن که در صحت و سقم آن بیندیشد. قرآن کریم با هشدار به آنان و با تخطئه تقلید بی چون و چرا از گذشتگان، بر این اصل تأکید می ورزد که هر که مسأله ای را با معیار عقل بسنجد، نه مانند برخی به مشکل برخورد می کنند و نه به تعصب و لجاجت می افتند؛ زیرا درباره آنها آمده: «... اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله فقلوا لا تتبعنا ما التیند علیهم ابائنا»<sup>۶۲</sup>. هنگامی که به آنان گفته می شود از آنچه خداوند فرستاده است پیروی کنید، می گویند ما از همان راهی که پدرانمان بر آن بودند، پیروی می کنیم.



تقلید ، همچنین زمانی جدی ترین آفت خواهد بود که به شخصیت زدگی بینجامد . البته ذکر این نکته لازم است که مقصود از شخصیت زدگی آن نیست که آدمی از تجربیات و پیروی از بزرگان اندیشه به دور ماند ، بلکه مراد آن است که مقلد و پیرو ، خود و اندیشه اش را در شعاع دانش پیشرو و هیچ بداند. قرآن کریم عدم پیروی از پیامبران را همین امر دانسته است : ( و اذا قيل لهم اتاوا انلى ما نزل الله و الى الرسول قالوا حسينا ما وجدنا عليه آباءنا اولئو كان آبا وهم لما يعلمون شيئا و لا يهتدون )<sup>۴۳</sup> . چون به آنان گفته می شود : به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید ! می گویند : ( آنچه پدران خود را بر آن یافتیم ، ما را پس است . آیا هر چند پدانشان چیزی ندانسته و هدایت نیافته بودند ؟

امام علی (ع) به دلایل مذکور گفته بزرگان را تکیه گاه همیشگی نمی داند و تقلید و پیروی از پیشینیان را در میدان اندیشه و گفت و گو ، اصل نمی بیند . در نظر گاه حضرتش ، حق و باطل را نمی توان با مردم شناخت ، بلکه مردمان را باید با حق و باطل شناخت .<sup>۴۴</sup>

۴۰ . شتاب زدگی در داوری : شتاب زدگی اندیشه را از مسیر فطری خود دور می سازد و موجب گمراهی می گردد . گواه این مطلب ، گروه وسیعی از انسان ها هستند که به دلیل شتاب در داوری و اظهار نظر ، راه خطا را پیموده اند . قرآن کریم شتاب زدگی در اندیشه و قضاوت را یکی از عوامل انحطاط کفار و از جمله آفات گفت و گوی صحیح می داند : ( و يدع الانسان بالشر دعائه بالخير و كان الانسان عجولا )<sup>۴۵</sup> .

عارف با ... و سالک الی الله ، مرحوم علامه طباطبائی در ذیل آیه مذکور می فرماید : ( مراد از عجل بودن انسان این است که هر گاه چیزی را می طلبد ، با آرامش خاطر سراغ آن نمی رود و پیرامون صلاح و فساد آن تفکر نمی کند تا پس از آشکار شدن جهات خیر ، آن را طلب کند ، بلکه به محض اینکه چیزی توجه او را جلب کرد ، بدون دقت و بررسی سراغ آن می رود .

انسان عجل نمی تواند فرق بین خیر و شر بگذارد ؛ چنان به سوی باطل حرکت می کند ، گویی به سوی حق می رود .<sup>۴۶</sup>

۵۰ . هوا پرستی : ( پیروی از هوای نفس ) خصلت های نفسانی انسان ، مهم ترین عامل لغزش و خطا در تفکر و تبادل به شمار می رود ؛ زیرا آن که در گفت و گو در پی کار خویش است و در بند هوا و هوس خود ، اهمیتی به حقیقت نمی دهد و خود را برای رنج کشیدن در این راه مهیا نموده است . عقربه ی اندیشه وی تحت تأثیر شهوات و خواسته های نفس می چرخد و جهت را اشتباه تشخیص می دهد و به حقیقت رو نمی کند . چنین انسانی از میدان تفکر دور گشته و تنها نقطه مشترک بحث ، یعنی پیروی کامل از خرد و منطق را کنار نهاده است . قرآن کریم می فرماید : ( ان يتبعون الا انفس و ما تهوى الا نفى )<sup>۴۷</sup> .

۶۰ - پشت گرمی به باطل : همان گونه که پشت گرمی به حق و حقیقت ، مایه موفقیت در گفت و گو است ، یاری جستن از باطل موجب ناکامی است . این عمل قوم نوح و اقوام پس از آنها بوده است . آنان بی توجه به کارا نبودن باطل در میدان حقیقت ، خود را به عقاب الهی گرفتار کردند . خداوند متعال می فرماید :

( كذلك قبلهم قوم نوح و الاحزاب من بعدهم و هم ت كل امه برسولهم لياخذوه و جادلوا بالباطل ليدحضوا به الحق فآخذتهم فكيف كان عقاب )<sup>۴۸</sup> . پیش از اینان ، قوم نوح و بعد از آنان ، دسته های مختلف (دیگر) تکذیب کردند و هرامتی آهنگ رسول خدا را کردند تا او را بگیرند و به وسیله باطل ، جدال نمودند تا حقیقت را با باطل آن پایمال کنند . پس آنان را فرو گرفتیم . پس چگونه بود عقاب من ؟



بنابر گفته رسول خدا (ص) کسانی که به باطل روی می آورند تا در جدال با حق آن را فرو کشند ، سزاوار لعن و نفرین خدای متعال هستند و از رحمت الهی دور گشته اند .<sup>۶۱</sup>

۷۰- خود ستائی : شخص گفت و گو کننده ، در هنگام گفت و گو ، چه بسا بگوید : ( ما این مسائل را نیک فرا گرفته ایم و به دقایق این امور واقفیم ) و ( این گونه مسائل بر ما پنهان نمی ماند ) و ادعاهائی از این دست که غالباً در گفت و گو صورت می گیرد ، همه برای اثبات توانایی علمی و فنی گوینده است و این چیزی غیر از خود ستائی نیست ؛ حال آن که خداوند متعال مسلمانان را از خود ستائی بر حذر داشته و فرموده است : « فَاَلَا تَرَكَوا الْفِتْنَةَ »<sup>۶۲</sup> . خود ستائی ، تفکر را خمود نموده و آدمی را از قبول حقیقت در گفت و گو باز می دارد و او را به تعصب بر عقیده خویش و لجاجت در برابر طرف مقابل وادار می نماید . نتیجه : در این مقاله جملات ذیل به عنوان نتیجه جلب نظر می نماید :

۱۰- از دیدگاه قرآن ، انسان موجودی است که فطرتاً اهل گفت و گو و مناظره است و بر مبنای آن به رشد عقلی و عملی و نیز خلاقیت فکری دست می یابد .

۲۰- بر مبنای علوم روز (قرآن و جامعه شناسی) ، انسان موجودی گفت و گو محور می باشد و جهت حضور در اجتماع و استحکام روابط اجتماعی خویش با هموعان ، ناگزیر از آن بوده و میان گفت و گو و سرنوشت معنوی او پیوندی استوار برقرار است .

۳۰- ارج نهادن به کرامت انسانی ، اهتمام به تفکر و تعقل ، عدم اکراه در پذیرش عقاید و توجه به آرای دیگران از مهم ترین مبانی گفت و گو در آینه قرآن کریم است .

۴۰- پیروی از علم و روش های علمی ، دقت به ادعاهای مخاطب و بهره گیری از شیوه های درست از جمله آداب گفت و گو در قرآن کریم می باشد .

۵۰- بر مبنای تفسیر علمی قرآن ، ( حق جوئی ) رعایت روش های ایده آل و مناسب با ابزار علمی کاراتر ، توافق طرفین در اصول مشترک ، برهان طلبی صحیح ، خوش خویی ، آزاد منشی و تحمل اندیشه ها ، از مهم ترین ویژگی های گفت و گو و مناظره مطلوب می باشد .

۶۰- تکیه بیش از حد بر گمان و پندار ، جهالت و اکثار آن ، رواج تقلید ، شتاب زدگی در داوری ، اتباع نفس و تکیه بر هواهای نفسانی ، خود ستائی و پشت گرمی به باطل از مهم ترین آفات رایج در گفت و گو و مناظره از منظر قرآن کریم بوده و جایگاه علمی آن را تنزل می دهد .

پی نوشت :

۱- نهج البلاغه ، خطبه اول

۱- ر.ک : قرشی ، سید علی اکبر ، قاموس

۳-سوره نحل ، آیه ۱۱۱

قرآن ، ذیل واژه های مذکور ، همچنین

۴- ر.ک : سنت گفت و گو و مناظره با ادیان و

ر.ک : راغب اصفهانی ، المفردات ، ذیل

مذاهب ، تدوین : مرکز مدیریت حوزه علمیه

حروف ( ب ح ث ) و ( ج د ل ) ، ر.ک :

قم ، صص ۷۰ و ۷۲

بازرگان ، عبد العلی ، آزادای در قرآن ،



- ۵- سوره كهف، آیه ۵۴
- ۶- سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸
- ۷- ر.ك : طباطبائی ، سید محمد حسین ،  
المیزان فی تفسیر القرآن ، ترجمه سید محمد  
باقر موسوی همدانی ، ج ۱۷، صص ۳۷۹-۳۸۱
- ۸- سوره مجادله ، آیه ۱؛ سوره كهف، آیه  
۳۴ و ۳۷
- ۹- ر.ك : سنت گفت و گو و مناظره با ادیان و  
مذاهب، صص ۷۵-۷۷
- ۱۰- سوره نمل ، آیه ۵۶
- ۱۱- سوره نحل ، آیه ۱۲۵؛ سوره بقره، آیه ۱۱۱
- ۱۲- سوره طه ، آیه ۴۴
- ۱۳- ر.ك : قرآن کریم ؛ سوره های بقره  
/ آیه ۳۰ سوره انعام / آیه ۱۶۵، سجده ۷/ -  
اعراف ۹،  
روم / آیه ۳۰ احزاب / ۷۲، دهر / ۲-۳، شمس / ۹-۷،  
انشقاق / ۶، رعد / ۲۸، اسراء / ۷۰، ذاریات / ۵۶
- ۱۴- سوره روم / آیه ۸
- ۱۵- سوره عنكبوت / آیه ۴۵
- ۱۶- سوره بقره / آیه ۱۸۳
- ۱۷- ر.ك : تفسیر المیزان ، علامه سید محمد  
حسین طباطبائی (ره) ، ج ۵، صص ۲۵۵-۲۷۰
- ۱۸- سوره اعراف / آیه ۱۵۷
- ۱۹- سوره دهر / آیه ۲
- ۲۰- سوره یونس / آیه ۹۹
- ۲۱- تفسیر نور الثقلین ، ج ۲، ص ۳۳۱
- ۲۲- سوره آل عمران / آیه ۱۵۹
- ۲۳- بحار الانوار ، علامه محمد باقر مجلسی ،  
ج ۷۲، ص ۱۰۰
- ۲۴- سوره زمر / آیه ۱۷-۱۸
- ۲۵- سوره آل عمران / آیه ۶۶
- ۲۶- سوره غافر / آیه ۳۵؛ بقره / ۱۱۱، انبیاء / ۲۴، حج  
/ ۳ و ۸ / لقمان / ۲۰  
۲۷- همان
- ۲۸- سوره سبأ / آیه ۲۴
- ۲۹- سوره سبأ / آیه ۲۵
- ۳۰- سوره اسراء / آیه ۵۳
- ۳۱- سوره بقره / آیه ۸۳
- ۳۲- سوره انعام / آیه ۱۰۸
- ۳۳- سوره آل عمران / آیه ۶۴
- ۳۴- ابن مورد با توجه به آیه ( وانا اواياكم  
لعلى هدى او فى ضلال مبين... ) اقتباس  
گردیده و ذکر شده است .
- ۳۵- به عنوان نمونه می توان به گفت و گوی  
هابیل و قابیل ( سوره مائده ، آیات ۲۷-  
۳۱) ؛ طالوت و جالوت (سوره بقره / آیات  
۲۴۶-۲۵۱) و هود با قوم عاد (سوره اعراف  
/ آیات ۶۵-۶۹) و سوره هود / آیات ۵۰ و  
۵۳-۵۷ اشاره نمود
- ۳۶- سوره غافر / آیه ۵
- ۳۷- سوره یونس / آیه ۹۴
- ۳۸- سوره انفال / آیه ۶
- ۳۹- سوره بقره / آیه ۴۲
- ۴۰- سوره آل عمران / آیه ۶۶
- ۴۱- سوره یونس / آیه ۳۹
- ۴۲- سوره آل عمران / آیه ۶۴
- ۴۳- سوره عنكبوت / آیه ۴۶
- ۴۴- سوره بقره / آیه ۱۱۱
- ۴۵- به عنوان نمونه آیه ( انا اطعنا ساداتنا و  
کبرائنا فاضلونا السیلا ) سوره احزاب / آیه ۶۷ از  
این مورد است .
- ۴۶- به عنوان نمونه ر. ك : قرآن کریم ، آیه  
۱۲۵ سوره نحل ( ادع الی سبیل ربك بالحکمه



- و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتي هي احسن )  
 با حكمت و اندرز نيكو به راه پروردگارت  
 دعوت كن و با آنان به طريق كه نيكوتر است ،  
 مناظره كن ، همچنين سوره عنكبوت / آيه ۴۶ :  
 با اهل كتاب جز به روشي كه نيكوتر است  
 مجادله نكنيد .
- ۴۷-ر.ك : سنت گفت و گو و مناظره با اديان  
 و مذاهب ، صص ۱۴۵-۱۴۷
- ۴۸-سوره بقره، آيه ۸۳
- ۴۹-سائل الشيعه ، ج ۱۱، ص ۵۶۳
- ۵۰-مثنوي معنوي ، ج ۲، ص ۸۱۰
- ۵۱-سوره توبه / آيه ۶۱
- ۵۲-همان
- ۵۳-سوره نساء/ آيه ۱۲
- ۵۴-ر.ك : ميزان الحكمه ، باب علم و حلم
- ۵۵-سوره يس / آيات ۷۸-۸۲
- ۵۶-سوره حج / آيات ۵-۷
- ۵۷-احياء علوم الدين ، ابو حامد محمد غزالي  
 ج ۱، ص ۵۸
- ۵۸-سوره انعام / آيه ۱۱۶
- ۵۹-سوره نور/ آيه ۱۵
- ۶۰-سوره اسراء/ آيه ۳۶
- ۶۱-بحار الانوار ، ج ۲، ص ۱۲۲
- ۶۲-سوره مائده/ آيه ۴
- ۶۳-سوره مائده/ آيه ۱۰۴
- ۶۴-تاريخ يعقوبي، ج ۲، ص ۲۱۰
- ۶۵-سوره اسراء/ آيه ۱۱
- ۶۶-الميزان في تفسير القرآن ، ج ۱۲، ص ۵۱
- ۶۷-سوره نجم/ آيه ۲۳
- ۶۸-سوره غافر/ آيه ۵
- ۶۹-توحيد صدوق ، ص ۴۶۱، ج ۳۳
- ۷۰-سوره نجم/ آيه ۳۲

\*منابع :

- ۱-قرآن كريم
- ۲-نهج البلاغه ، ترجمه محمد دشتي (ره) قم ،  
 انتشارات مشرقين ، ۱۳۷۹ش
- ۳-اصفهانى ، راغب ، المفردات في غريب  
 القرآن ، مصر ، مصطفى البابى الحلبي، ۱۹۶۱م
- ۴-بازرگان ، عبد العلي ، آزاداي در قرآن ،  
 تهران ، انتشارات قلم ، ۱۳۷۲ش
- ۵-بيهقي ، احمد بن حسين بن علي ، السنن  
 الكبرى ، بيروت ، دارالمعرفه
- ۶-حر عاملي ، شيخ محمد بن حسن ، وسائل  
 الشيعه ، تهران ، مكنبه اسلاميه ، ۱۳۹۷ق
- ۷-حويزي ، شيخ عبد العلي جمعه العروسى ،  
 تفسير نور الثقلين ، قم ، اسماعيليان ، ۱۴۱۵ق
- ۸- صدوق ، شيخ ابو جعفر محمد بن علي ،  
 التوحيد ، بيروت ، دارالمعرفه
- ۹- طباطبائي ، سيد محمد حسين ، الميزان في  
 التفسير القرآن ، ترجمه سيد محمد باقر موسوي  
 همداني ، قم ، انتشارات اسلامي ، تابستان ۱۳۸۱
- ۱۰- غزالي ، ابو حامد محمد بن محمد ، احياء  
 علوم الدين ، مصر ، مصطفى البابى الحلبي  
 ۱۳۵۸ق
- ۱۱- قرشي ، سيد علي اكبر ، قاموس قرآن ،  
 تهران ، دارالكتاب الاسلاميه ، ۱۳۷۱ش
- ۱۲- مركز مديريت حوزه علميه قم ، سنت  
 گفت و گو و مناظره با اديان و مذاهب ، قم ،  
 انتشارات مركز مديريت حوزه علميه  
 قم، ۱۳۸۴ش
- ۱۳- مجلسي ، محمد باقر ، بحار الانوار ،  
 بيروت ، موسسه الوفاء، ۱۹۸۳م
- ۱۴- محمدى ري شهري ، محمد ، ميزان  
 الحكمه ، قم ، موسسه فرهنگي دارالحدِيث  
 ۱۳۷۹ش
- ۱۵- مولوي ، جلال الدين محمد ، مثنوي  
 معنوي، تصحيح دكتور محمد استعلامي ، تهران ،  
 انتشارات زوار، ۱۳۷۱ش

